

«فرهیختگان» از تغییرات مرکز پژوهش ها در طرح صیانت گزارش می دهد

نسخه جدید صیانت همچنان مغایر با قانون اساسی

مفحه‌های ۲ و ۷ را بخوانید



روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران و واحدهای
دانشگاهی تهران
شهرستان‌ها ۳۰۰ تومان

شماره مسلسل ۲۲۵۸
پنجمین ۷ بهمن ۱۴۰۰
۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۳
۲۷ روزه ۲۲-۲۰
شماره ۳۵۲۰

www.fdn.ir | Thu | 27 Jan 2022 | vol.13 | No. 3520 | 16 Pages

اگر برخلاف دولت روحانی قرارهای اقتصادی با روسیه پیگیری شود

ایران می تواند از ظرفیت ترانزیتی سالی ۲۰ میلیارد دلار درآمد کسب کند

قرار استراتژیک ترانزیتی در مسکو

مهدی خاتعلی زاده، پژوهشگر تاریخ سیاسی در گفت وگوبا «فرهیختگان»:

آمریکایی‌ها فقط در روش حفظ پهلوی اختلاف نظر داشتند

«۱۶، ۱۷»

دکتر طهرانچی در مراسم اختتامیه دوره توان افزایی اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد:

اعضای هیات علمی بازوان اصلی چرخش های تحول آفرین هستند

«۱۶، ۱۷»

جلسات شعر طنز انتقادی حلقه زندان بعداز چند سال تعطیلی دوباره راه افتاد

به جز از «حلقه زندان» نروم جای دگر

«۱۶، ۱۷»

« یادداشت

میلاد جلیل زاده

خبرنگار گروه فرهنگی

چهارم بهمن ماه بود که محمود سالاری، معاون هنری وزارت ارشاد برای تحلیل از بانوان هنرمند پیشکسوت در برج آزادی حضور پیدا کرده بود و خبرنگار یکی از رسانه ها که در پی بالاگرفتن اعتراض ها نسبت به حراج پانزدهم تهران، در این مدت از هرگونه تلاشی برای دفاع از این رویداد فرو نگذاشته بود، چنانکه در متن خبر اشاره شده، حضور معاون هنری وزیر در این مراسم را بهانه ای قرار داد تا درباره حراج تهران از او بپرسد. سالاری در این گفت وگو رویدادی مثل حراج تهران را به رونق اقتصاد هنر ربط داد و از طرف دیگر، ردگیری و صحت جویی نسبت به منشأ پول هایی که به این فضا وارد می شوند را جزء وظایف وزارت ارشاد ندانست. چندروز پیش پانزدهمین حراج تجسمی تهران مجموعه ایا ۱۶۰ میلیارد تومان چکش خورد و شسب اعتراض ها به این روند داشته باشد. مساله اما اینجاست که از همان چندسال پیش همه مشکوک و در بسیاری از موارد به طور واضحی مساله دار، مطابق روند مداومی که طی سال های اخیر داشت، باهم بالا رفت. امسال چیز خاصی عوض نشد و نکته غافلگیری کننده ای در این رویداد وجود نداشت. راستش این است که از چند سال پیش به این طرف، قسبه به جایی رسید که از هیچ جعتی نمی توانست بدتر از آنچه بود، بشود و طبیعی است که در چنین شرایطی، چیزی برای غافلگیری وجود نداشته باشد. مساله اما اینجاست که از همان چندسال پیش همه توقع داشتند این روند بالاخره یکروز متوقف شود و بی منطق ترین رویداد شبه هنری آلوده به شسبهات مالی، از دوپینگ های قدرت اجرایی محروم شود. اگر این امید وجود نداشت، از همان چندسال پیش تحمل این جریان ناممکن نبود. در دوران دولت قبل، علیه فعالیت های مشکوک اقتصادی در فضای هنری حرف و سخن های فراوانی مطرح شد اما سراسرست ترین و غیرقابل انکارترین استدلال ها هم نمی توانستند تاثیر مستقیمی روی قضیه بگذارند چون چنین اتفاقی هایی با منافع افراد موثر در جریانات سیاسی حاکم، پیوند داشت و این استدلال های سراسرست و غیرقابل انکار هم با بایکوت می شدند یا نهایتا وقتی ممکن نبود که وقتی بهشان گذاشته نشود، سفسطه هایی بی اساس را به عنوان پاسخ دریافت می کردند. تقریبا همه آنها پی که به این روند مشکوک و آلوده مالی اعتراض داشتند، فهمیده بودند که با قوی تر کردن استدلال هایشان کاری از پیش نخوانند برده چون آن کسی که بر صندلی قدرت تکیه داده، منافعش را در ادامه داشتن این جریان می بیند. مردم معمولی که صاحب هیچ اهرم اجرایی و قضایی موثری نبودند و اعتراض هایشان هرقدر هم مستدل بود، راه به جایی نمی برد، همه امیدشان به این بود که جریان سیاسی حاکم و مدیرانی که از این وضع منتفع هستند، بالاخره دوران مسئولیت شان تمام شود و کنار بروند و راه برای پرچیدن چنین بساط هایی باز شود. در همان دوران اگر اعتراضی صورت می گرفت و استدلالی تنظیم می شد تا در فضای عمومی منتشر شود، گوشه چشمی و امید خوش بینانه ای به رئیس قوه قضائیه وجود داشت تا در برابر دولتی ها موضعی به نفع مردم بگیرد. قاضی القضاات کسی بود که به نظر می رسید منافعش با وجود این جریان های مشکوک و آلوده پیوند نخورده و دلیلی ندارد که منطقی ترین استدلال ها را بیا عمد انباشود یا با سفسطه باقی از سر خودش باز کند. حالا همان قاضی القضاات، رئیس جمهور شده است و امیدواری ها به جمع شدن این بساط، به طور طبیعی باید بیشتر شود. او با شعار فساد سستیزی به پاس تور رفت و می گفت برای برخورد با مفاسد، از

مجرای دولت بهتر می توان عمل کرد. به هر حال ابتدا به نظر می رسید حراج تهران در دوره اخیرش چیز جدید و غافلگیری کننده ای ندارد چون سال ها می شد که به نقطه اوج بی منطقی ها رسیده بود، اما پس از اتمام برگزاری حراج و برآمدن دور جدید و طبیعتا شدیدتر اعتراض ها، نوبت به رونمایی از غافلگیری جدید رسید. دولتی که از آن انتظار می رود مدیرانش جلوی اقدامات مشکوک مالی در فضای هنری را بگیرند، حالا معاون یک وزارتخانه اش از چیزی مثل حراج تهران دفاع می کند آن هم دفاعی بسیار سست و غیر منطقی و ضعیف. می شود به صراحت گفت حداقل مدیران قبلی در سفسطه باقی برای دفاع از چنین اقداماتی کار کشته تر بودند و با وجود تمام مهارتی که در این زمینه داشتند، دیگر کفگیرشان به ته دیگ خورده بود. آنها هر نوع دلیل تراشی که می خواستند برای حمایت از چنین جریان هایی بکنند را رو کردند و تمام فنون شسان از جماعت منتقد، بدل هایی قوی تر دریافت کرده بود. شاهد این مدعا هم موضع افکار عمومی است که ابتدا چنین سفسطه هایی را پذیرفته بود اما در ادامه دیگر به طور یکپارچه علیه آن شد. حالا مدیر دولتی که به رئیس آن در زمان دولت قبل، بابت برخورد با این جریانات امیدواری هایی وجود داشت، چند پله عقب تر و چندین مرتبه سست تر و ضعیف تر پاسخ هایی برای دفاع از حراج تهران می دهد که نسخه های بسیار قوی تر آن از زبان مدیران قبلی ارائه شده بود و منتقدان، طومارشان را پیچیده بودند. راستش این است که مدیران دولت قبل هم بیشتر درمورد سینما و پول های مشکوک و آلوده آن، از خودشان هزینه تر کردند و پاسخ دادند، نه درمورد حراج تهران. اساسا دفاع از رویدادی مثل حراج تهران، مشکل یا ناممکن است؛ اما معاون هنری ارشاد در دولتی که آمدنش امید به برچیده شدن این بساط را ایجاد کرده بود، چند قدم از قبلی ها پیش تر گذاشت و از حراج تهران هم دفاع کرد. این وضعیت قابل تحمل نیست. در برنامه ای که وزیر جدید ارشاد به مجلس ارائه داد، به مقابله با جریان فاسدی که باعث ورود پول های مشکوک به فضای هنری می شود اشاره شده بود. قبلی ها صراحتا لیبرال بودند. همه این جمله را از زبان رئیس حزب شنیدند که «ما لیبرال های مسلمان هستیم». طبق همان منطق لیبرال، آنها تلاش کردند سفسطه کنند که ما زیر بار هر نوع نظارت با اعمال محدودیت مالی در فضای هنری نمی رویم و نام مافیاهای اقتصادی را که اتفاقا از آبراهه ای دولتی به چشمعیت المال وصل بودند بخش خصوصی می گذاشتند. هر چند در اقتصادهای کاملا لیبرال دنیا هم چنین وضعی وجود نداشت و این قبیل سفسطه ها با استناد به همان موارد پاسخ می گرفت اما به هر حال، دولت فعلی که با داعای لیبرالیسم اقتصادی هم رای نیاورده تا بتواند به همان قبیل سفسطه ها متوسل شود. یک چیزی عوض نشده؛ آیا دولت عوض شده و بازگران هم عوض شده اند اما نقش ها تغییر نکرده اند؟ هنوز کورسوی نیمه جانی از امید در ته انبار دل ها باقی مانده است و کسانی که اظهار نظر معاون هنری ارشاد را جبهه حراج تهران غافلگیرشان کرد، گوشه چشمی دارند که ببینند باقی مدیران دولت یا پیش می گذارند و صریح موضع می گیرند و چنین جامی اندازند که مورد پیش آمده، یک استثنا بوده؛ یک رفتار خارج از قاعده کلی دولت. خیلی ها آه می کشند و کم کم آماده این

نتیجه گیری می شوند که دولت فعلی هم در این زمینه فرقی با دولت قبلی ندارد اما همچنان که دارند می روند، گاهی قدم هایشان را شل می کنند و منتظر هستند یکی از پشت سر صدایشان بزند و بگوید که صبر کنید، نه این طور نیست، مافرق داریم، این مورد استثنا بود و با آن برخورد می شود، امیدتان نا امید نشود... شگفت انگیز و مایوس کننده است که کسی ناچار باشد به معاون جدید هنری در وزارت ارشاد هم استدلال هایی درخصوص لزوم برچیده شدن چیزی مثل حراج تجسمی تهران تقدیم کند، اما به هر حال هم ایشان و هم باقی مدیران محترم دولتی را باید آگاه کرد که وقتی چیزی تا این حد با معیشت مردم از یک سو و مسائل فرهنگی شان ازسوی دیگر پیوند می خورد، مدیران و مسئولان نباید توقع داشته باشند که با تکرار یک سری مواضع، منتقدان از نفس بیفتند و دست از ابلاغ اعتراض هایشان بردارند. روی همین حساب در پاسخ به اظهارات اخیر معاون هنری ارشاد، جمع بندی خلاصه و صریحی از انتقادهای ساختاری و بنیادین به این رویداد را مجددا مرور می کنیم.

۹ رونق برای دلالتان ی هنرمندان؟

محمود سالاری در ابتدای گفت وگو با ایسنا گفت: «من به مکانیسم حراج تهران کاری ندارم ولی از اینکه اقتصاد هنر و اقتصاد هنرهای تجسمی رونق بگیرد، استقبال می کنم.» و در آخر تاکید کرد: «همان طور که عرض کردم همه قیمت یک اثر هنری، بین خریدار و فروشنده تعیین می شود، همچنان که شما هم وقتی به بازار می روید تا انگشتر بخرید، وقتی می برسید چران را به این قیمت می دهند، نمی توانید برای شما استدلال بیاورند که چرا مروارید یا قیوت گران است. کسی آمده گفته این آنقدر می ارزد؟ نه؛ در بازار این گونه معامله می شود و هست. پس لزومی ندارد ما برای همه چیز تعیین تکلیف کنیم و بار را به دوش اصحاب هنر بیندازیم. اصحاب هنر کارشان را می کنند، اقتصاد کارش را می کنند و نهاد های نظارتی هم کارشان را بکنند. همه چیز درست می شود. اینکه ما از دیگران بخواهیم مسائل را با هم قاطی کنند، این به نفع هنر نیست.»

کجای دنیا رقم های نجومی و نامعقولی را که در یک حراجی رد و بدل می شوند، معیاری برای رونق اقتصاد هنر گرفته اند؟ اگر حراج تجسمی تهران وجود نداشت، این افراد ثابتی که هر ساله در تالار آل جمع می شوند و در قالب یک رقابت صوری، مرتب قیمت آثار متعلق به هدیگر را به صورت حیابی بالا می زنند، می توانستند در یک حراجی دیگر، مثلا فلان رنگ و سنگ های گران قیمت یا عتیقه جاتی که معلوم نبود به واقع عتیقه هم محسوب شوند، همین بازی را راه بیندازند. هدف آنها خلق پول بی پشتوانه یا ایجاد پشتوانه جعلی برای یک پول حیابی است و به دنبال یک معامله صوری برای پولشویی از اعتباری هستند که به شکل جعلی خلق می شود. این وسط نه چیزی به آن هنرمند با استعداد یا بی استعدادی می رسد که تابلوها یا مجسمه ها را خلق کرده و نه اگر مثلا یک حراج توسط همین افراد با موضوع سنگ و فلزات برگزار می شد، چیزی به منطقه ای که این احجام و اجاز از آن استخراج شده، می رساند یا اگر با موضوع عتیقه جات خرد برگزار می شد، چیزی نصیب صاحبان اصلی اش که آنها را از انبار منازل

مادر بزرگ هایشان آورده بودند، می کرد. آیا یادآوری این نکته واضح و بدیهی لازم است که بین حراج با مناقصه، تفاوت از زمین تا آسمان است؟ تنها کسی می تواند گردش مالی ۱۶۰ میلیارد تومانی در حراج تجسمی تهران را به رونق اقتصاد هنر ربط دهد که نگاهش نه با منافع هنرمندان واقعی، بلکه با منافع دلالتان گره خورده باشد یا لاقفل در خوش بینانه ترین حالت می توان گفت این اظهار نظر از سری بی اطلاعی محض بیان شده است؛ یک بی اطلاعی عمیق، در حدی که فرد گوینده را شایسته مقام معاونت هنری وزارت ارشاد نشان نمی دهد.

۹ ارزش معنوی آثار هنری شاید نامتعیین باشد ولی ارزش مادی شان حساب و کتاب دارد
سالاری با اشاره به اینکه کالای هنری به مثابه بسیاری از کالاهایی که در جامعه وجود دارند، نیست و می گوید: «برای مثال معلوم است قیمت تمام شده یک لبوان، چقدر است؛ بنابراین کالاهای صنعتی رقم تولیدشان قابل احصا است، اما شما یک سنگ قیمتی را که روی انگشتری هست، چطور قیمت گذاری می کنید؟ چرا هیچ کس نمی گوید چرا این انگشتر را به این قیمت گذاشته اید؟ و نرقاره اید اینقدر می ارزد و سنگش هم اینقدر، پس این عدد را از کجا آورده اید؟ کالای هنری به میزانی که خریدار دارد، ارزش و قیمت دارد.»

سالاری چیزی را پیش فرض گرفته و بر اساس آن باقی قضایاتش را پیش می برد که اساسا محل اشکال است. آنچه محمود سالاری به آن اشاره می کند، مکانیسم قیمت گذاری روی آثار هنری نیست بلکه مکانیسم قیمت گذاری های حیابی در حراجی هاست. سال ۲۰۰۸ میلادی، «جی لنو» که در یک برنامه تلویزیونی مشغول مصاحبه با اسکارت جوهانسون بود، با مشاهده سرمو خورده گی او یک دستمال کاغذی به این هنرپیشه هالیوودی می دهد و جوهانسون با دستمال کاغذی دوبار اقدام به تمیز کردن بینی خود می کند. بعد هالین دستمال کاغذی در جریان یک حراجی آمریکایی به قیمت ۵۳۰۰ دلار فروخته شد. آیا آن دستمال کاغذی چندش آور که به پول ما ۱۲۳ میلیون تومان فروخته شد، ارزش هنری داشت یا از هر نوع معیار ارزش گذاری معقولی مطابق استانداردهای اقتصادی پیروی می کرد؟ اتفاقا روی آثار هنری که در حوزه تجسمی تولید می شوند هم با روش های دقیق کارشناسی می توان قیمت گذاشت و عجیب است که باید چنین چیز واضحی را به معاون هنری وزارت ارشاد یادآوری کنیم. در همین حراج تهران هم برای تابلوها و سایر آثار، یک سری قیمت پایه گذاشته می شود که با هم متفاوت هستند. اگر هیچ معیاری برای قیمت گذاری آثار هنری وجود نداشته باشد، به واقع به پایان دنیا رسیده ایم. شنیدن این حرف از معاون هنری وزارت فرهنگ واقعا حیرت انگیز است.

۹ وقتی به دوربین زل می زنید، باید راستش را بگویید
برخی می گویند این پول از جای ناثواب (احتمالا منظور محمود سالاری صواب بوده و در تنظیم ایسنا ثواب آورده شده است) آمده یا پولشویی است. خب نهادهای نظارتی بروند، بررسی کنند تا اگر پولشویی است، جلوی آن را بگیرند. مگر وزارت ارشاد مسئول این کار

است؟ مگر مامسئول این هستیم که ببینیم منشأ یک پول کجاست؟ نهادهای نظارتی، بانک مرکزی، قوه قضائیه و سایر سازمان ها وجود دارند و البته هر کمکی هم از ما برآمد، در خدمت هستیم. ولی ما مسئول این نیستیم که بگوییم این قیمتی که گذاشته شده نادرست است یا این پولی که آمده ناثواب.

در دوران دولت قبل بحث ورود پول های مشکوک یا آلوده به فضای هنری بیشتر درمورد سینما مطرح بود. نوع به ظاهر فنی تر و دقیق تر همین پاسخ سالاری را مدیران دولت قبل درمورد سرمایه گذاری در سینما و شبکه نمایش خانگی می دادند. می گفتند به دولت مربوط نیست که منشأ پول ها از کجاست و این دروغ محض بود. در برگره ای که برای درخواست پروانه ساخت از سمت تهیه کنندگان به شورای پروانه ساخت ارائه می شد، قسمتی وجود داشت که باید سرمایه گذار و منشأ سرمایه مشخص می شد. این قسمت در آن هشت سال توسط تهیه کنندگانی که منابع مالی آثارشان مشکوک یا مساله دار بود پر نمی شد و به عمد و به طور آگاهانه، کسی از مسئولان دولتی هم بهشان ایرادی نمی گرفت. جالب اینجاست که همان مسئولان دولتی به قول معروف به دوربین زل می زنند و می گفتند وظیفه دولت وزارت ارشاد نیست که منشأ پول های سرمایه گذاری شده در سینما را بررسی کند. آن دوره به هر حال گذشت اما به سختی می توان باور کرد که مدیر هنری ارشاد در دولت جدید هم به دوربین زل بزند و بگوید منشأ پول های هزینه شده در فضای هنر به وزارت ارشاد مربوط نیست. آیا وظیفه نظارتی ارشاد، صرفا در گیر دادن به حجاب بانوان، پوشش آقایان یا مسائلی از این دست خلاصه می شود؟

۹ این ژست های شبه لیبرال به شما نمی آید
سالاری می گوید: «فردی می خواهد تابلایش را ۱۰۰ میلیارد بفروشد و یک نفر هم می خواهد پول بدهد و آن را خریداری کند، مبارک شان باشد، ما چه کاره هستیم که این وسط برای دیگران تعیین تکلیف کنیم؟» آنچه آقای معاون می گوید در این جمله خلاصه می شود که «کسی دلش می خواهد اینقدر بفروشد و کس دیگری می خواهد آنقدر بخرد. به هیچ کس هم ربط ندارد.» راستش این قبیل اظهارات شبه لیبرال، به ژست این دولت و به قامت آقای سالاری نمی خورد. شما حتی اگر کافه ای داشته باشید و دونفر با رضایت طرفین، روی صندلی های آن اقدامی انجام دهند که خلاف قانون باشد، به عنوان صاحب کافه مسئول هستید. آیا محمود سالاری نمی داند که جایگاه معاون هنری وزارت ارشاد، خیلی بلندتر، بهتر و مسئولیتش خیلی حساس تر از مدیر یک کافه است؟ حتی اگر دستگاه های نظارتی و قضایی دیگر به واسطه کمبود یا عدم آشنایی شان نسبت به جزئیات فضای هنری، از اقدامات خلاف یا مخرب داخل آن مطلع نباشند، این وظیفه شماست که به سود اکثریت و به زیان اقلیت، دراین باره گزارش هایی ارائه دهید؛ اما حالا علما موضع متفاوتی از شما شنیده می شود. آقای سالاری نظر شما درباره مالیاتی که باید هنرمندان ببردارند و تا به حال در لایرنت های قانونی گیر کرده بود، چیست؟ در دولت قبل شاهد بودیم که تمام در برابر تصویب چنین قانونی مقاومت می شده، آن هم درحالی که در لیبرال ترین اقتصادهای دنیا مثل آمریکا هم قوانین سخت و سختی در این مورد وجود داشت. بحث اصلی این بود که آنها نمی خواستند با وضع مالیات، حسابرسی های دقیق مالی از معاملات هنری صورت بگیرد و شفافیت ایجاد شود. آیا موضع شما هم همین است؟